

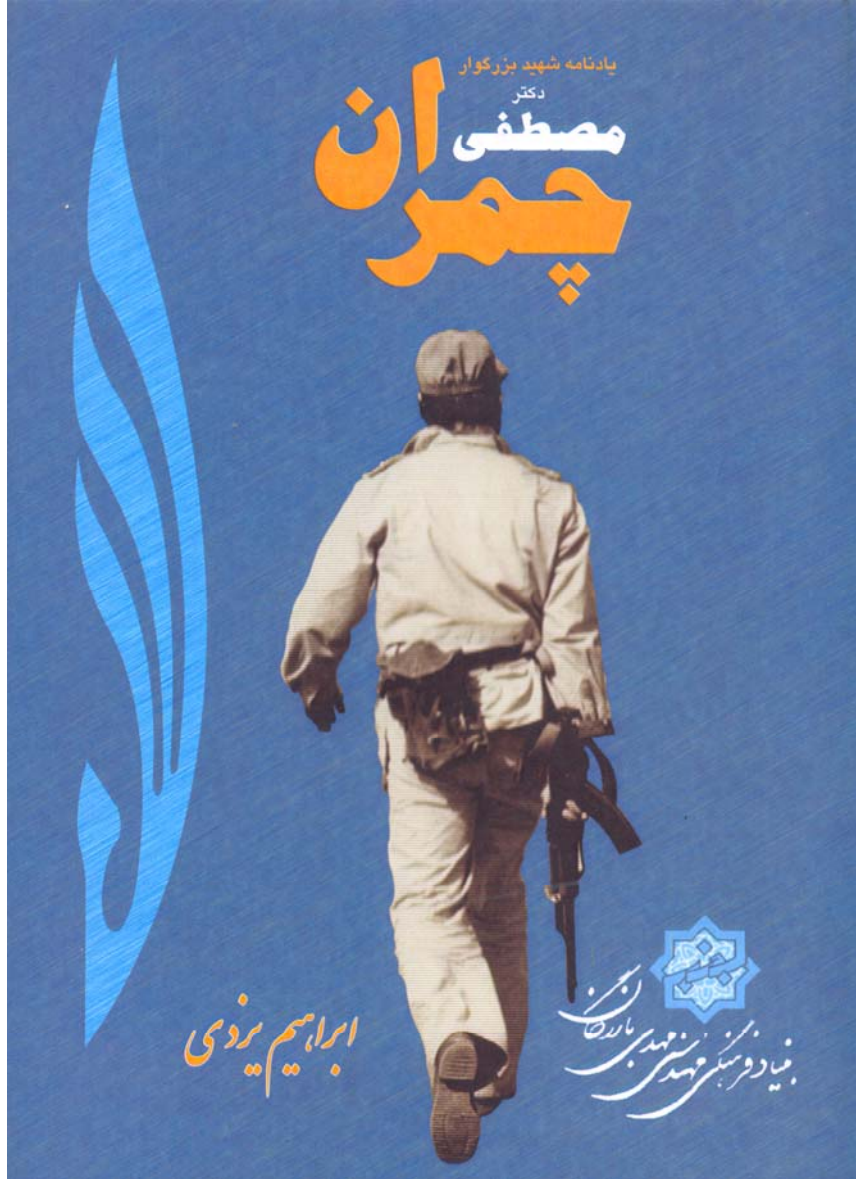
یادنامه شهید بزرگوار

دکتر

مصطفی چمران

ابراهیم یزدی

بنیاد فرهنگ شهیدان
موسسه تخصصی





یادنامه شهید مصطفی چمران، قرار بود در سالروز شهادت این بزرگمرد در خرداد سال ۱۳۷۹ منتشر شود. اما کار به تأخیر افتاد و در حالی که یادنامه آخرین مراحل تدوین را می‌گذرانید و آماده برای چاپ بود، حوادث فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۰ رخ داد و مجموعه‌ای که جمع‌آوری شده بود از دفتر بنیاد و منزل گردآورنده به تاراج رفت. با بازگشت دکتر یزدی از سفر، امکان بازسازی یادنامه فراهم گشت و روزی از نو، روزی از نو: آنچه به تاراج رفته بود، مجدداً جمع‌آوری شد. و هر چند به نسخه اصلی بسیاری از مدارک، دسترسی نبود، با این حال مجموعه شکل و حال اولیه را بازیافت و بالاخره به چاپ سپرده شد.



انتشارات قلم

تهران - تقاطع خیابان بهار و سمیه - ساختمان ایرج - طبقه همکف
شماره ۶ تلفن: ۸۳۱۲۸۹۳ تلفکس: ۸۸۲۹۳۶۲

**یادنامه شهید بزرگوار
دکتر مصطفی چمران**

به کوشش دکتر ابراهیم یزدی

بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان

شرکت انتشارات قلم

۱۳۸۳



● یادنامه شهید بزرگوار دکتر مصطفی چمران

- به کوشش: دکتر ابراهیم یزدی
- تهیه و تدوین: بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان
- ناشر: شرکت انتشارات قلم
- حروف چینی و صفحه آرایی: حروف چینی هُما (امید سید کاظمی)
- نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۳
- چاپ: پژمان
- شمارگان: ۲۰۰۰ جلد
- بها: شومیز ۵۵۰۰ تومان، گالینگور ۶۱۰۰ تومان

شابک: X-۱۳۴-۳۱۶-۹۶۴
ISBN: 964-316--134-X

تهران: تقاطع بهار و سمیه، ساختمان
ایرج، طبقه همکف، شماره ۶
تلفن ۸۳۱۲۸۹۳
تلفکس ۸۸۲۹۳۶۴

همه حقوق محفوظ است.

یزدی، ابراهیم، ۱۳۱۰-
یادنامه شهید بزرگوار دکتر مصطفی چمران / به کوشش ابراهیم یزدی.-
تهران: قلم، ۱۳۸۳.
ISBN : 964-316-134-X
۶۵۶ ص.- مصور.
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه به صورت زیر نویس.
نمایه.
۱. چمران، مصطفی، ۱۳۱۱-۱۳۶۰. الف. عنوان.
۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲ DSR ۱۶۲۶ / ج ۸ ی ۴
کتابخانه ملی ایران
۲۸۵۰۰-۸۲ م

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خلاصه فهرست

۶.....	فهرست تفصیلی مطالب
۱۳.....	پیشگفتار
۱۵.....	مقدمه
۱۹.....	بخش اول: همگام با عشق
۷۷.....	بخش دوم: یاد یار سفر کرده
۹۳.....	بخش سوم: خاطراتی از یار سفر کرده
۲۲۷.....	بخش چهارم: گزیده‌ای از آثار چمران
۳۳۳.....	بخش پنجم: نامه‌های چمران به همسفران
۶۰۱.....	بخش ششم: آلبوم عکس‌ها
۶۲۷.....	نمایه

فهرست تفصیلی مطالب

- پیشگفتار ۱۳
- مقدمه ۱۵

بخش اول: همگام با عشق

- چمران عشق بود و صفا و وفا و صدق و وارستگی ۲۱
- اولین دیدار ۲۱
- فعالیت در نهضت مقاومت ملی ۲۳
- سفر به آمریکا ۲۷
- فعالیت در جبهه ملی ۲۸
- تأسیس نهضت آزادی ایران در خارج از کشور ۳۵
- تشکیل انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا ۳۷
- تدارک جنگ مسلحانه ۳۹
- دیدار با آیت الله خمینی ۴۱
- تغییر در خط مشی ۴۴
- برگشت به لبنان ۴۶
- تأسیس حرکت المحرومین و سازمان امل ۴۸
- ترور شخصیت و توطئه ترور شخص ۵۲
- ارتباط با سازمان مجاهدین خلق (اولیه) ۵۳
- مرگ جمال ۵۵
- شریعتی در زینیه ۵۵
- سفر به پاریس ۵۶

- ۵۷..... برگشت به وطن
- ۵۸..... تشکیل ستاد جنگ‌های نامنظم
- ۶۴..... مشروح گزارش سفر به نجف و دیدار با آیت‌الله خمینی
- ۶۴..... جلسه اول: ۲۴ نوامبر ۱۹۶۵ برابر با ۳ آذر ۱۳۴۴
- ۶۷..... جلسه دوم: ۲۵ نوامبر ۱۹۶۵ برابر با ۴ آذر ۱۳۴۴
- ۶۸..... جمع‌بندی دکتر چمران از عکس‌العمل آیت‌الله خمینی در جلسات
- ۶۹..... گزارش مذکرات نمایندگان اعزامی به عراق و ملاقات با حضرت آیات خمینی
- ۷۴..... ملاقات نمایندگان انجمن‌های اسلامی دانشجویان با حضرت آیت‌الله خمینی
- ۷۵..... متن نامه نهضت آزادی ایران در خارج از کشور به حضرت آیت‌الله خمینی

بخش دوم: یاد یار سفر کرده

- ۷۹..... پیام امام خمینی به مناسبت شهادت دکتر چمران
- ۸۰..... اطلاعیه‌ی مهندس بازرگان به مناسبت شهادت فرزند بی‌نظیر ملت
- ۸۰..... اطلاعیه‌ی نهضت آزادی ایران به مناسبت شهادت برادر مجاهد دکتر مصطفی چمران
- ۸۰..... بیانیه‌ی سازمان جوانان نهضت آزادی ایران
- ۸۱..... دعوت نهضت آزادی ایران برای شرکت در مراسم شب هفت
- ۸۱..... تلگرام تسلیت رئیس کمیته‌ی اجرایی سازمان آزادی‌بخش فلسطین
- ۸۳..... پیام خانواده‌ی امام موسی صدر
- ۸۵..... پیام شورای رهبری سازمان امل (لبنان)
- ۸۸..... پیام سفیر کشور الجزایر در ایران
- ۹۰..... پیام سفیر کشور سوریه در ایران

بخش سوم: خاطراتی از یار سفر کرده

- ۹۵..... از نگاه معلم و مرشد (مهندس مهدی بازرگان)
- ۹۹..... مختصری از حیات شهید دکتر مصطفی چمران (مهدی صابری - سیدعلی اصغر غروی)
- ۱۲۳..... عبد صالح خدا (حجت‌الاسلام و المسلمین حاج سیدعلی اکبر ابوترابی)
- ۱۳۰..... با چمران در مستوصف الحسین (ع) (دکتر جلیل ضرابی)
- ۱۵۳..... از نگاه دوست (یوسف یمین)
- ۱۵۸..... مردی که زیبا زیست و زیبا مردن را آموخت (شمس‌آل‌احمد)
- ۱۶۳..... گفت‌وگو با برادر مجاهد «ابوالفضل کاسترو» (حسین دهباشی)

فهرست تفصیلی مطالب / ۹

چمران یادآور سرداران صدر اسلام (حجت‌الاسلام و المسلمین علی حجتی کرمانی).....	۱۷۲
چمران نیک‌اندیش و بزرگوار (مهندس اسماعیل مدبر).....	۱۷۷
استاد دانشگاه زندگی (دکتر مهدی بهادری نژاد).....	۱۸۱
مردی که نگاه دلش متوجه ناله بینوایان بود (مهندس عبدالعلی بازرگان).....	۱۸۹
یک قطره اشک (فاطمه طباطبایی).....	۱۹۲
چمران عارف (طاهره رضاقلی‌زاده خراسانی).....	۱۹۷
چمران، سردار عشق (غاده جابر).....	۲۰۲
آخرین ساعات ... (غاده جابر).....	۲۰۹
مصطفی آنجاست - شعر (دکتر مهدی ممکن).....	۲۱۳
خاطراتی از شهید چمران (دکتر سیدمحمد مهدی جعفری).....	۲۱۶

بخش چهارم: گزیده‌ای از آثار چمران

وصیت می‌کنم.....	۲۲۹
دانشجویان ایرانی چه می‌خواهند؟.....	۲۳۳
گزارش تظاهرات و تحصن دانشجویان ایرانی در آمریکا، مورخ ۲۰ بهمن ۱۳۴۱.....	۲۳۵
گزارش و تحلیلی از حادثه‌ی ۱۶ آذر ۱۳۳۲.....	۲۳۹
جنبه‌ی دفاعی جنگ‌های پارتیزانی.....	۲۴۴
مرتب، در سوگ دکتر علی شریعتی.....	۲۵۱
من شهادت می‌دهم.....	۲۶۱
پیشگفتاری بر «نیایش».....	۲۶۵
نیایش (۱).....	۲۶۷
نیایش (۲).....	۲۷۱
عشق و عرفان.....	۲۷۹
خدایا، وطنم کجاست؟.....	۲۸۶
کیست که دست مرا بگیرد؟!.....	۲۹۱
گزارشی از لبنان در نامه به مهندس بازرگان.....	۲۹۵
مصاحبه‌ی اختصاصی با دکتر چمران معاون نخست‌وزیر.....	۳۲۶

بخش پنجم: نامه‌های چمران به همسفران

الف - مقدمه.....	۳۳۵
------------------	-----

- ب- شماره، عنوان و متن نامه‌ها..... ۳۳۶
- نامه به دکتر ابراهیم یزدی:
- شماره ۱. مورخ اسفند ۱۳۳۹..... ۳۳۶
- شماره ۲. مورخ ۸ اسفند ۱۳۴۰..... ۳۳۸
- شماره ۳. مورخ ۸ فروردین ۱۳۴۱..... ۳۴۰
- شماره ۴. مورخ ۲۶ اردیبهشت ۱۳۴۱..... ۳۴۲
- شماره ۵. نامه به صادق قطب‌زاده، مورخ شهریور ۱۳۴۱..... ۳۴۵
- نامه به دکتر ابراهیم یزدی:
- شماره ۶. مورخ تابستان ۱۳۴۳..... ۳۴۶
- شماره ۷. مورخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۴۴..... ۳۴۹
- شماره ۸. احتمالاً، مورخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۴۴..... ۳۵۱
- شماره ۹. مورخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۴۴..... ۳۵۲
- شماره ۱۰. مورخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۴..... ۳۵۳
- شماره ۱۱. مورخ ۱۵ خرداد ۱۳۴۴..... ۳۵۴
- شماره ۱۲. مورخ ۲۴ خرداد ۱۳۴۴..... ۳۵۸
- شماره ۱۳. مورخ ۷ تیر ۱۳۴۴..... ۳۵۹
- شماره ۱۴. مورخ ۱۷ تیر ۱۳۴۴..... ۳۵۹
- نامه به مهندس محمد توسلی:
- شماره ۱۵. مورخ ۲۱ تیر ۱۳۴۴..... ۳۶۱
- شماره ۱۶. مورخ تیر ۱۳۴۴..... ۳۶۳
- شماره ۱۷. مورخ ۲۸ تیر ۱۳۴۴..... ۳۶۵
- شماره ۱۸. نامه به دکتر ابراهیم یزدی، مورخ ۲۹ تیر ۱۳۴۴..... ۳۶۷
- شماره ۱۹. نامه به مهندس محمد توسلی، مورخ ۷ مرداد ۱۳۴۴..... ۳۶۸
- شماره ۲۰. نامه به دکتر ابراهیم یزدی، مورخ ۷ مرداد ۱۳۴۴..... ۳۷۱
- نامه به مهندس محمد توسلی:
- شماره ۲۱. مورخ ۹ مرداد ۱۳۴۴..... ۳۷۲
- شماره ۲۲. مورخ ۱۴ مرداد ۱۳۴۴..... ۳۷۴
- شماره ۲۳. مورخ ۱۶ مرداد ۱۳۴۴..... ۳۷۵
- شماره ۲۴. نامه به دکتر ابراهیم یزدی، مورخ ۱۶ مرداد ۱۳۴۴..... ۳۷۶
- شماره ۲۵. نامه به مهندس محمد توسلی، مورخ (احتمالاً اواخر) مرداد ۱۳۴۴..... ۳۷۷
- نامه به دکتر ابراهیم یزدی:
- شماره ۲۶. مورخ ۱۸ شهریور ۱۳۴۴..... ۳۷۸

فهرست تفصیلی مطالب / ۱۱

۳۸۰.....	شماره ۲۷. مورخ ۲۷ شهریور ۱۳۴۴.....
۳۸۲.....	شماره ۲۸. مورخ ۴ مهر ۱۳۴۴.....
۳۸۲.....	شماره ۲۹. مورخ ۸ مهر ۱۳۴۴.....
۳۸۴.....	شماره ۳۰. مورخ ۲۶ مهر ۱۳۴۴.....
۳۸۵.....	شماره ۳۱. مورخ ۸ آذر ۱۳۴۴.....
۳۸۶.....	شماره ۳۲. مورخ ۹ آذر ۱۳۴۴.....
۳۸۷.....	شماره ۳۳. مورخ ۱۴ آذر ۱۳۴۴.....
۳۹۱.....	شماره ۳۴. مورخ ۱۷ آذر ۱۳۴۴.....
۳۹۳.....	شماره ۳۵. مورخ ۲۱ آذر ۱۳۴۴.....
۳۹۴.....	شماره ۳۶. مورخ ۲۴ آذر ۱۳۴۴.....
۳۹۷.....	شماره ۳۷. مورخ ۳۰ آذر ۱۳۴۴.....
۴۰۲.....	شماره ۳۸. مورخ ۹ بهمن ۱۳۴۴.....
۴۰۵.....	شماره ۳۹. مورخ ۱۰ بهمن ۱۳۴۴.....
۴۰۷.....	شماره ۴۰. نامه به خسرو قشقایی، مورخ ۲۵ بهمن ۱۳۴۴.....
	نامه به دکتر ابراهیم یزدی:
۴۰۸.....	شماره ۴۱. مورخ ۷ اسفند ۱۳۴۴.....
۴۱۰.....	شماره ۴۲. مورخ ۱۸ اسفند ۱۳۴۴.....
۴۱۱.....	شماره ۴۳. مورخ ۲۴ اسفند ۱۳۴۴.....
۴۱۳.....	شماره ۴۴. مورخ ۷ فروردین ۱۳۴۵.....
۴۱۴.....	شماره ۴۵. مورخ ۱۵ فروردین ۱۳۴۵.....
۴۱۷.....	شماره ۴۶. مورخ ۱۸ فروردین ۱۳۴۵.....
۴۱۷.....	شماره ۴۷. مورخ ۱۸ فروردین ۱۳۴۵.....
۴۱۸.....	شماره ۴۸. مورخ فروردین ۱۳۴۵.....
۴۲۰.....	شماره ۴۹. مورخ ۳۰ فروردین ۱۳۴۵.....
۴۲۱.....	شماره ۵۰. مورخ ۱ اردیبهشت ۱۳۴۵.....
۴۲۲.....	شماره ۵۱. مورخ ۵ اردیبهشت ۱۳۴۵.....
۴۲۴.....	شماره ۵۲. مورخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۴۵.....
۴۲۵.....	شماره ۵۳. مورخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۴۵.....
۴۲۶.....	شماره ۵۴. مورخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۵.....
۴۲۸.....	شماره ۵۵. مورخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۴۵.....
۴۳۰.....	شماره ۵۶. مورخ ۲ خرداد ۱۳۴۵.....
۴۳۶.....	شماره ۵۷. نامه به مهندس ابوالفضل بازرگان. مورخ ۲ خرداد ۱۳۴۵.....

نامه به دکتر ابراهیم یزدی:

- شماره ۵۸. مورخ ۵ خرداد ۱۳۴۵ ۴۳۷
- شماره ۵۹. مورخ ۱۲ خرداد ۱۳۴۵ ۴۳۸
- شماره ۶۰. مورخ ۱۳ خرداد ۱۳۴۵ ۴۴۰
- شماره ۶۱. مورخ ۱۸ خرداد ۱۳۴۵ ۴۴۲
- شماره ۶۲. مورخ ۷ تیر ۱۳۴۵ ۴۴۳
- شماره ۶۳. مورخ ۱۳ تیر ۱۳۴۵ ۴۴۵
- شماره ۶۴. مورخ ۲۰ تیر ۱۳۴۵ ۴۵۵
- شماره ۶۵. مورخ ۱ مهر ۱۳۴۵ ۴۵۷
- شماره ۶۶. مورخ (اواسط سال) ۱۳۴۵ ۴۶۰
- شماره ۶۷. مورخ ۸ آذر ۱۳۴۵ ۴۶۲
- شماره ۶۸. مورخ ۱۶ آذر ۱۳۴۵ ۴۶۲
- شماره ۶۹. مورخ (اواخر سال) ۱۳۴۵ ۴۶۳
- شماره ۷۰. مورخ ۱۳ بهمن ۱۳۴۵ ۴۶۴
- شماره ۷۱. مورخ ۲۳ فروردین ۱۳۴۶ ۴۶۸
- شماره ۷۲. مورخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۴۶ ۴۷۰
- شماره ۷۳. مورخ (اواسط سال) ۱۳۴۶ ۴۷۵
- شماره ۷۴. مورخ ۲۹ مرداد ۱۳۴۶ ۴۷۵
- شماره ۷۵. مورخ ۲۲ آذر ۱۳۴۸ ۴۸۰
- شماره ۷۶. نامه به صادق قطب‌زاده، مورخ ۲۲ آذر ۱۳۴۸ ۴۸۱
- شماره ۷۷. نامه به محمد نعمت‌اللهی، مورخ ۱۱ فروردین ۱۳۴۹ ۴۸۴
- نامه به دکتر ابراهیم یزدی:
- شماره ۷۸. مورخ ۱۹ فروردین ۱۳۴۹ ۴۸۷
- شماره ۷۹. مورخ ۷ تیر ۱۳۴۹ ۴۹۲
- شماره ۸۰. مورخ ۴ خرداد ۱۳۵۰ ۴۹۴
- شماره ۸۱. نامه به محمد نعمت‌اللهی، مورخ ۴ خرداد ۱۳۵۰ ۴۹۵
- شماره ۸۲. نامه به دکتر ابراهیم یزدی، مورخ ۲۲ تیر ۱۳۵۶ ۴۹۶
- شماره ۸۳. نامه به دوستان پاریس توسط صادق قطب‌زاده، مورخ ۳۰ تیر ۱۳۵۰ ۴۹۹
- شماره ۸۴. نامه به دوستان نهضت آزادی ایران توسط دکتر ابراهیم یزدی، ۱ مرداد ۱۳۵۰ ۵۰۰
- شماره ۸۵. نامه به سیدمرتضی خاموشی، مورخ ۳۰ مرداد ۱۳۵۰ ۵۰۳
- شماره ۸۶. نامه به دکتر ابراهیم یزدی، مورخ ۵ شهریور ۱۳۵۰ ۵۰۶

فهرست تفصیلی مطالب / ۱۳

شماره ۸۷ نامه به نهضت آزادی ایران خارج از کشور، توسط دکتر ابراهیم یزدی، مورخ ۱۷ شهریور ۱۳۵۰.....	۵۱۱
نامه به سیدمرتضی خاموشی:	
شماره ۸۸ مورخ ۸ آبان ۱۳۵۰.....	۵۱۶
شماره ۸۹ مورخ (احتمالاً اواخر آبان) ۱۳۵۰.....	۵۱۷
نامه به دکتر ابراهیم یزدی:	
شماره ۹۰ مورخ ۲۳ آذر ۱۳۵۰.....	۵۱۸
شماره ۹۱ ب.ت. (احتمالاً اواخر آذر ۱۳۵۰).....	۵۲۰
شماره ۹۲ مورخ ۱ بهمن ۱۳۵۰.....	۵۲۴
شماره ۹۳ ب.ت. (اوایل سال ۱۳۵۱).....	۵۲۵
شماره ۹۴ مورخ ۱ خرداد ۱۳۵۱.....	۵۳۰
شماره ۹۵ مورخ ۲۹ خرداد ۱۳۵۱.....	۵۳۳
شماره ۹۶ مورخ ۲۷ شهریور ۱۳۵۱.....	۵۳۷
شماره ۹۷ مورخ آذر ۱۳۵۱.....	۵۳۸
شماره ۹۸ مورخ ۲۳ بهمن ۱۳۵۱.....	۵۴۰
شماره ۹۹ مورخ فروردین ۱۳۵۲.....	۵۴۰
شماره ۱۰۰ مورخ ۴ تیر ۱۳۵۲.....	۵۴۲
شماره ۱۰۱ مورخ ۲۱ شهریور ۱۳۵۲.....	۵۴۳
شماره ۱۰۲ ب.ت. (اواخر سال ۱۳۵۲ یا اوایل سال ۱۳۵۳).....	۵۴۴
شماره ۱۰۳ مورخ ۲۴ دی ۱۳۵۳.....	۵۴۵
شماره ۱۰۴ نامه به دکتر صادق طباطبایی، مورخ سال ۱۳۵۳.....	۵۴۶
شماره ۱۰۵ نامه به دکتر ابراهیم یزدی، مورخ ۲۰ دی ۱۳۵۴.....	۵۴۸
شماره ۱۰۶ نامه به دکتر صادق طباطبایی، مورخ ۳۰ بهمن ۱۳۵۵.....	۵۵۲
شماره ۱۰۷ نامه به دکتر سیدصدرالدین صدر و حمید صدر، ب.ت. (حدود سال ۱۳۵۵).....	۵۵۴
شماره ۱۰۸ نامه به دکتر صادق طباطبایی: تاریخ نامشخص.....	۵۵۷
شماره ۱۰۹: نامه به دکتر صادق طباطبایی: تاریخ نامشخص.....	۵۵۸
شماره ۱۱۰ نامه به سیدصدرالدین صدر، مورخ ۷ مهر ۱۳۵۵.....	۵۵۹
نامه به دکتر صادق طباطبایی:	
شماره ۱۱۱ مورخ سال ۱۳۵۵.....	۵۶۲
شماره ۱۱۲ مورخ سال ۱۳۵۵.....	۵۶۴
شماره ۱۱۳ مورخ سال ۱۳۵۵.....	۵۶۵
شماره ۱۱۴ نامه به صادق قطب‌زاده، مورخ سال ۱۳۵۵.....	۵۶۷

۱۴ / یادنامه شهید بزرگوار دکتر مصطفی چمران

- شماره ۱۱۵. گزیده‌ای از نامه به دکتر صادق طباطبایی، مورخ سال ۱۳۵۶..... ۵۶۹
- شماره ۱۱۶. نامه به سیدصدرالدین صدر، مورخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۶..... ۵۷۷
- شماره ۱۱۷. نامه به دکتر ابراهیم یزدی، مورخ آبان ۱۳۵۷..... ۵۷۸
- شماره ۱۱۸. نامه به آیت‌الله حاج آقا روح‌الله خمینی، مورخ آبان ۱۳۵۷..... ۵۸۱
- ج- فهرست رمز اسامی اشخاص، کشورها، شهرها و نهادها..... ۵۸۵

بخش ششم: آلبوم عکس‌ها

□ نمایه ۶۲۷

به نام خدا

پیش گفتار

یادنامه شهید بزرگوار دکتر مصطفی چمران، قرار بود در سالروز شهادت این بزرگ‌مرد، در خرداد ۱۳۷۹ منتشر شود، اما کار به تأخیر افتاد و در حالی که یادنامه آخرین مراحل تدوین را می‌گذرانید و آماده برای چاپ بود، حادثه فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۰ رخ داد و مجموعه‌ای که جمع‌آوری شده بود از دفتر بنیاد و منزل گردآورنده به تاراج رفت.

با بازگشت جناب آقای دکتر یزدی از سفر، امکان بازسازی یادنامه فراهم گشت و بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان فرصتی دوباره یافت تا از یک سو نسبت به شاگرد صادق مکتب عشق و ایثار، صفا و وفا؛ هر چند کوچک و مختصر، ادای دین کند و از سوی دیگر معرف انسان صادقی باشد که در همه عمر ساده زیست، به کم قناعت کرد، مهربان بود، سختی را به جان خرید و آزادی و حریت را با شجاعت و شهامت فریاد کرد و در سنگرهای مبارزه، با پایمردی جنگید تا شهید شد.

روز از نو، روزی از نو؛ آنچه به تاراج رفته بود، مجدداً جمع‌آوری شد و هر چند به نسخه اصلی بسیاری از مدارک، دسترسی نبود، با این حال مجموعه شکل و حال اولیه را بازیافت و بالاخره به چاپ سپرده شد. امید آنکه ادای وظیفه شده باشد و نمونه‌والایی از انسانی عارف، دین‌دار صادق و روشن‌فکری اصلاح‌طلب به نسل جوان کشور معرفی شده باشد.

این مجموعه در شش بخش تنظیم شده است. بخش اول با عنوان همگام با عشق، فشرده‌ای است از زندگی‌نامه شهید بزرگوار دکتر مصطفی چمران که توسط برادر

ارجمند جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی نوشته شده است. بخش دوم دربرگیرنده پیام‌ها و اعلامیه‌هایی است که پس از شهادت دکتر چمران، توسط رهبر فقید انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، زنده‌یاد مهندس مهدی بازرگان، سازمان آزادی‌بخش فلسطین، خانواده امام موسی صدر، سازمان امل (لبنان) و ... صادر شده است. بخش سوم، مجموعه‌ایست از خاطرات دوستان، یاران و همفکران زنده‌یاد شهید چمران که در بخشی از زندگی، همراه و یا همنشین و مونس و همراز او بوده‌اند. در بخش چهارم این یادنامه، آثار قلمی و تراوشات فکری شهید چمران ارایه شده است اما همه‌ی آثار او را در بر نمی‌گیرد، بلکه گزیده‌ایست از آنها. برخی از مقالات و مطالب، قبلاً در جاهای دیگر چاپ شده‌اند. آوردن آنها در این مجموعه صرفاً به جهت تکمیل یادنامه است و امید آنکه، موجب کسالت و شکایت خوانندگان نگردد.

بخش پنجم، مجموعه‌ای از نامه‌های دکتر چمران به همگامان، همفکران و فعالان سیاسی آن دوران می‌باشد. این نامه‌ها، بخشی از مبارزات مخفی اما حق‌طلبانه ملت ایران را با رژیم فاسد پهلوی از زبان و قلم دکتر مصطفی چمران، در بین سال‌های ۱۳۳۹ تا پاییز سال ۱۳۵۷ و در آستانه‌ی انقلاب اسلامی ایران در بر دارد و گزارشی است از فعالیت‌های مستمر و صادقانه‌ی آن جریان فکری و سیاسی که چمران خود را متعلق به آن می‌دانست و با اعتقادی راسخ و تلاشی بی‌وقفه در آن کوشا بود. روانش شاد و راهش پر رهرو باد.

بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان

مقدمه

بمیرید، بمیرید، در این عشق بمیرید
در این عشق چو مردید، همه روح پذیرید
بمیرید، بمیرید و زین مرگ مترسید
کزین خاک برآید سماوات بگیریید
بمیرید، بمیرید و زین نفس بیریید
که این نفس چو بنده است و شما همچو اسیریید
یکی تیشه بگیریید پی حفره‌ی زندان
چو زندان بشکستید همه شاه و امیریید
بمیرید، بمیرید و زین ابر برآیید
چو زین ابر برآیید همه بدر منیریید
مولوی

رهایی و آزادی، قدیمی‌ترین انگیزه‌ی تلاش همه‌ی انسان‌ها است. انسان، آزاد و مختار خلق شده است و به طور طبیعی با هر آنچه که آزادی او را محدود نماید و اختیار او را در انتخاب راه و روش زندگی، مقید سازد و یا نادیده بگیرد، مبارزه می‌کند. عوامل محدود کننده یا نابود سازنده‌ی آزادی و اختیار انسان ممکن است در شکل مناسبات نادرست و ظالمانه‌ی استثمار اقتصادی یا سلطه‌ی استبدادی، چه نوع سیاسی و چه نوع دینی آنکه موجب بردگی و بندگی انسان‌ها است، یا ریشه در مناسبات فرهنگی و سنت‌های غلط رایج داشته باشد. تحت همه‌ی این شرایط انسان‌ها به طور طبیعی، براساس ساختار وجودی انسانی خود-فطرت و ماهیت- می‌کوشند تا خود را از سیطره‌ی این عوامل اسارت‌بار نجات دهند. تاریخ هیچ ملتی از این مبارزات خالی نبوده است.

ملت ایران بیش از یک صد سال است که برای آزادی خود از سلطه‌ی استبدادِ مطلقه‌ی سلطنتی و استقلال کشور از سلطه‌ی بیگانگان و استقرار امنیت و عدالت، مبارزه می‌کند.

در طی این مدت دراز، اگر چه پیروزی‌های چشمگیر در چندین فراز تاریخی، از جمله در انقلاب مشروطه، در جنبش ملی شدن صنعت نفت و در انقلاب اسلامی ایران به دست آمده است اما هر بار، به علل گوناگون شکست خورده و برخی از دستاوردها از بین رفته‌اند، بدون آنکه جنبش مردمی برای آزادی و استقلال متوقف شده باشد.

سؤال اساسی این است که این فراز و فرودها و پیروزی‌ها و شکست‌ها از کجا سرچشمه می‌گیرند و ریشه در کجا دارند؟ بی‌تردید عوامل خارجی در شکست انقلاب مشروطه و پیروزی کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و استقرار ۲۰ ساله‌ی رضاشاه و همچنین در کودتای نظامی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که منجر به سقوط دولت دکتر محمد مصدق و بازگشت محمدرضاشاه به اریکه‌ی سلطنت و حکومت گردید نقش کلیدی داشته‌اند. اما نمی‌توان و نباید با فرافکنی، نقش عوامل خارجی را مطلق کرد و نقش عوامل داخلی را در این شکست‌ها نادیده گرفت. با پیروزی انقلاب اسلامی، چه امیدها که جان گرفت. اما بعد از گذشته دو دهه، اکنون در وضعیتی نیستیم که می‌خواستیم. حتی خوشبین‌ترین عناصر حاکمیت هم نمی‌تواند جدی بودن بحران‌های کنونی و عمق و گسترش نارضایتی مردم و شکاف عظیم دولت-ملت را انکار کند. هنوز با آرمان «آزادی» که ملت ایران برای آن انقلاب کرد فاصله بسیار زیادی داریم؛ هنوز از جامعه‌ی مدنی و قانون‌مداری خبری نیست. هنوز با تساهل و تسامح و سازگاری، که ضرورت همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه‌ی متکثر انسانی است، و پیش‌شرط اجتناب‌ناپذیر جامعه‌ی مدنی است بسیار فاصله داریم. این شکاف‌ها آن‌قدر عمیق است که اگر حقوق و آزادی‌های اساسی مردم و حاکمیت ملت تحقق نیابند، دیر یا زود استقلال و تمامیت ارضی کشورمان نیز به مخاطره خواهد افتاد. با فرافکنی نمی‌توان عوامل خارجی را مسئول اصلی این وضعیت نامطلوب دانست و عوامل داخلی را نادیده گرفت.

درباره‌ی موانع توسعه‌ی سیاسی، اعم از موانع داخلی و خارجی، سخن بسیار گفته شده است. اما از میان مجموعه موانع داخلی و درونی، شاید مهم‌ترین آنها، موانع فرهنگی (ذهنیات) و خصلت‌های رفتاری خودمان باشد. ما صد سال است با

حاکمان مستبد جنگیده‌ایم، اما با فرهنگ استبدادی کمتر برخوردارهای جدی و اساسی داشته‌ایم. حاکم مستبد، تنها نماد مناسبات سیاسی استبدادی است. اما استبداد، نظیر هر سیستمی، اجزا و ابعاد متناسب و هماهنگ با هم را دارد. در یک نظام استبدادی، ساختارها و روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - با ساختار سیاسی هماهنگ است. در نظام‌های استبدادی چه از نوع سیاسی آن و چه نوع دینی، نفی حقوق طبیعی مردم و حق حاکمیت ملت تفکر زیربنایی است. هماهنگی با این نگرش استبدادی، تبلیغ بی‌اعتقادی و بی‌اعتمادی مردم به خودشان، تشدید عقده‌های حقارت در جهت اثبات مهجوری، نادانی و بی‌کفایتی ملت برای دخالت در سرنوشت خودشان، وابستگی به دیگران، تبلیغ کیش شخصیت، اساس و محور آموزه‌های فرهنگی در نظام استبدادی است. از جانب دیگر در نظام‌های استبدادی، مطلق‌گرایی، مطلق‌بینی و مطلق‌خواهی در تمام سطوح حاکم است. استمرار قرن‌ها استبداد، این نوع نگرش‌ها و منش‌ها را در مردم استبدادزده، درونی کرده است. بی‌اعتقادی به خویش‌تن خویش، از خودبیگانگی، احساس حقارت، نگاه به بیرون و بیگانه‌زدگی از مظاهر رسوبات فرهنگ استبدادی است. در استبداد سلطنتی، شاه سایه‌ی خدا و برخوردار از فره ایزدی است، فرمان او، فرمان یزدان است؛ شاه پرستیده می‌شده است. از نگاه روان‌شناختی پرستش یا عبادت به معنای همگن شدن عابد با معبود است. همان‌طور که پرستش واقعی خدا، انسان را خداگونه می‌سازد، پرستش جماد و بت، جمود می‌آورد و پرستش شاه، مردمان را شاه‌گونه می‌سازد. اما این‌گونه تأثیرات در تعارض و تضاد با فطرت آزاد و مختار انسانی ما قرار می‌گیرد و در نتیجه نوعی دوگانگی در منش و شخصیت ما به وجود می‌آورد. انسان‌هایی با دو چهره می‌شویم. چون انسانیم و خواهان بازیابی کرامت انسانی خود و رهایی از اسارت، با مستبد می‌جنگیم و موفق هم می‌شویم، اما از آنجا که فرهنگ استبدادی را از درون خود ریشه‌کن نکرده‌ایم و هنوز سلطه‌گر و سلطه‌پذیریم، به زودی از میان خودمان، یعنی همان اسیران و قربانیان استبداد، مستبد دیگری سر برمی‌آورد.

ویژگی‌های فرهنگ استبدادی تنها در مناسبات و روابط سیاسی قدرت حاکم با مردم بروز و ظهور ندارد، در رفتارهای روزانه‌ی فردی، خانوادگی و اجتماعی ما، در روابط میان معلم و شاگرد در مدرسه و دانشگاه، میان پدرها و مادرها با فرزندان و شوهران با همسران، در خانواده‌ها؛ میان رؤسا با زیردستان در ادارات، در همه جا فرهنگ استبدادی و زورمداری و رفتار دل‌بخوانانه ظاهر می‌شود، همه زور مداریم،

رفتار حاکمانه و دل‌بخواهانه سکه رایج جامعه‌ی ما شده است. ما همه بیمار و رنجور بی‌عدالتی، ظلم و ستم و قربانیان زر و زور و تزور هستیم. اما با زور و استبداد مبارزه می‌کنیم، اما وقتی امکان پیدا می‌کنیم و دستمان می‌رسد در زورگویی از چنگیز و آتیلا و هیتلر... چیزی کم نمی‌آوریم. آن چنان ظالمانه و جبارانه حکومت می‌کنیم که گذشتگان را روسفید می‌کنیم. ما همه قربانیان تزویر و ربا هستیم و از مشاهده‌ی دنیایی پر از ربا، بیماریم و رنج می‌بریم... اما فشارهای سیاسی و اجتماعی آن چنان است که همه نقاب بر چهره داریم. به طوری که به ندرت می‌توان کسی را بی‌نقاب یافت. شاید در تاریخ کشورمان، جامعه‌ی ما بدین حد ریاکار نبوده است. تشنه‌ی صداقتیم. اما، در روابطمان با یکدیگر، به راستی و درستی کم بها می‌دهیم.

ما همه اسیریم... اسیر خودمحوری‌ها، مطلق‌گرایی‌ها، مطلق‌بینی‌ها و مطلق‌خواهی‌ها؛ تحمل حضور افکار و اندیشه‌های دیگران را نداریم و...

تا ما این ویژگی‌های بیمارگونه‌ی خود را شناسایی نکنیم و آگاهانه برای درمان آنها گام برنداریم، به سرمنزل مقصود نخواهیم رسید. این سخن خداوند است که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (این است و جز این نیست که خداوند سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان خود را تغییر دهند). چمران به طور اصولی معتقد به این مکتب فکری و سیاسی بود. و در تمام طول عمرش به ارزش‌های آن وفادار ماند.

* * *

انگیزه‌ی جمع‌آوری آنچه در پیش رو دارید، از یک طرف ادای دینی است به همسفری ثابت‌قدم در سفرهای بسیار؛ اما از طرف دیگر و مهمتر و بالاتر، معرفی یک‌الگو از صداقت و فداکاری و ایثار به نسل جدید و جوان می‌باشد. آنها که پروای تغییر جامعه را در سر دارند و برای آزادی و آبادانی کشورشان می‌کوشند، خواه‌ناخواه باید ابتدا خود را از درون دگرگون سازند تا الگو، اسوه و نمونه‌ای برای دیگران باشند.

مصطفی چمران چنین بود. او از تبار آن دسته از اصلاح‌گران و روشن‌فکرانی بود که دگرگونی را از درون خود آغاز کرد. ایشان، همانند آن پیش‌گامان بزرگوار، از کسانی بودند که قبل از هر چیز، شاه‌نفس خود را کشتند یا مهار کردند و پیروزی‌هایی به دست آوردند و الگوهای نیکویی برای نسل‌ها شدند.

چمران بر این عقیده بود و بارها می‌گفت، به خصوص بعد از انقلاب، و بروز انحراف‌ها و مشاهده‌ی بی‌عدالتی‌ها و بی‌تقوایی‌ها در تقابل‌های سیاسی معطوف به قدرت، که تنها راه عبور از این تقابل‌ها و غلبه بر انحراف‌ها، الگوسازی است، او در این هدف خود موفق بود.

برای نسلی که سوخته زر و زور و تزویر است. نسلی که از ریا بیزار و جوینده‌ی صداقت است، نسلی که حیرت‌زده، مبهوت و سردرگم است از زور بی‌منطق خسته و ناتوان و به دنبال آزادی است و می‌خواهد و می‌کوشد تا خود را بیابد و خودش باشد، برای این نسل بودن کافی نیست، بلکه در جستجوی چگونگی شدن است، برای چنین جستجوگرانی الگوها مهم هستند. چمران می‌تواند یک الگو باشد. در الگوها، شکل و ساختار داستان مهم نیست. به روح و محتوای رفتارها باید توجه کرد. شاید دوران برخی از فعالیت‌هایی که چمران در طول عمر خود بدان‌ها مشغول بود، گذشته باشد، این مهم نیست. مهم آرمان‌گرا بودن، هدفمند حرکت کردن، آگاهی و بینش پیدا کردن و عبور از مرز خودخواهی‌ها و خودبینی‌ها و ورود به سرزمین خدمت بی‌ریا و صادقانه به مردم است، در هر شکلی و نهادی و به هر بهانه‌ای. یادنامه‌ی شهید بزرگوار دکتر چمران، داستان عشق، صفا، وفا، صدق و یکرنگی، فداکاری و گذشتن از همه‌ی تعلقات است. چمران نمونه‌ی یک عارف عمل‌گرا، رها از «حصار نفس» بود. او با سعادت زندگی کرد و با افتخار به دیدار حق شتافت. روحش شاد باد.

* * *

در اینجا لازم می‌دانم از کسانی که دعوت ما را با محبت و صمیمیت پذیرفتند و با ارسال مقالات و یادداشت‌هایی این مجموعه را تکمیل نمودند تشکر نمایم. بی‌تردید این مجموعه خالی از نقص‌ها و اشکال‌ها نیست. درخواست و انتظار آن است که صاحب‌نظران با لطف و بزرگواری آنها را برطرف سازند. از بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان و آقای سیداکبر بدیع‌زادگان که در تدوین و نهایی کردن این مجموعه تلاش کردند و همچنین از شرکت قلم که چاپ و انتشار این یادنامه را عهده‌دار شدند، تشکر می‌نمایم.

با درود بی‌پایان به خدمت‌گزاران

صادق ایران و اسلام

دکتر ابراهیم یزدی

بهار ۱۳۸۳